



## سرلشکر اردوبادي و قيام عشاير فارس

به بهانه ارتحال دکتر ناصر طالبزاده اردوبادي

دکتر ناصر طالبزاده اردوبادي، جراح قلب، استاد دانشگاه سياتل و دانشمند برجسته ایرانی مقیم آمریکا، در پنجاه و دو سالگی به شکلي مشکوک، بدون سابقه بیماری قلبي، با ایست قلبي درگذشت. او اندکی پیش، به اتهام حمایت مالي از حزب الله لبنان، با حکم یک خانم قاضي يهودي تبار، یک سال و نیم از عمر خود را در زندان سپري کرد و اموالش مصادر شد. سرانجام، به دليل فشار افکار عمومي و حمايت جامعه پزشکی آمریکا ناچار به آزادي او شدند. [۱] دکتر طالبزاده برادر کوچکتر آقای نادر طالبزاده، فیلمساز و اندیشمند سرشناس، است. نادر طالبزاده درباره مرگ برادرش میگوید:

«دکتر ناصر طالبزاده پزشک کلینیک اورژانس شهر سياتل آمریکا از سال ۱۹۹۶ توانست با مدیریت بر هفده کلینیک، که حدود ۱۰۰ پزشک و پرستار آمریکايي در آن فعالیت می کردند، موفق ترین پزشک شهر سياتل شناخته شود. او با توطئه‌اي مبنی بر همکاری وي با حزب الله لبنان به محاکمه کشیده شد و به زندان افتاد. چون برادرم ایرانی و مسلمان بود همواره به او مشکوک بودند و از سوي ديگر چون پزشک موفقی بود او را به نحوه و نوع اعمال پزشکی و استفاده از طبابت شرقي و طب سوزني و همچنین تهمت همکاری با حزب الله لبنان محاکمه کردند.» [۱]

این ضایعه بزرگ را به جامعه علمي ایران، به ویژه جامعه ایرانیان مقیم ایالات متحده آمریکا، به خانواده محترم ایشان و برادر ارجمندشان آقای نادر طالبزاده اردوبادي، فیلمساز و اندیشمند سرشناس، تسلیت می‌گویم.

\*\*\*

دکتر ناصر طالبزاده پسر مرحوم سرلشکر منصور طالبزاده اردوبادي است که پیشتر با نام «سرلشکر اردوبادي» شناخته می‌شود. سرلشکر اردوبادي در میان عشایر فارس چهره‌اي خوش‌نام است. او پس از سرکوب قیام بزرگ عشایري فارس در سال‌هاي ۱۳۴۱-۱۳۴۲، که به قتل عام و شهادت تعداد کثیری از عشایر و غارت گسترده اموال ایشان انجامید، به عنوان بازرس ویژه شاه برای بررسی علل این قیام به فارس اعزام شد. او علاوه بر اقدامات مثبتی که در جهت دلجویی از عشایر انجام داد، در ۷ تیر ۱۳۴۲، حدود سه ماه قبل از تیرباران پدرم، حبیب‌الله شهبازی، گزارشي صریح و دقیق برای شاه فرستاد. او در این گزارش اقدامات ظالمانه عوامل حکومت پهلوي را به عنوان محرک این قیام ذکر نمود. هر چند «مشکوک» و «توطئه‌آمیز» بودن این تحریکات در گزارش فوق به صراحت ذکر نشده، لیکن از فحواي آن می‌توان به این نتیجه رسید.

تمامي شواهد و مستندات بر طراحی از پیش و سازمان‌یافته بودن قتل **مهندس ملک عابدي** (۲۱ آبان ۱۳۴۱ در تنگ آب فیروزآباد) دلالت دارد. قتل این کارمند بی‌گناه «سازمان اصلاحات ارضي» به عنوان سرآغاز قیام عشایر فارس شناخته می‌شود. می‌دانیم که **سرتیپ حسن علوي‌کيا**، قائممقام ساواک تا سال ۱۳۴۰، اندکی پیش از قتل مهندس ملک عابدي مخفیانه به فارس سفر کرد و ساواک فارس این سفر پنهانی را به تهران گزارش نمود. سفر فوق می‌تواند به منظور اجیر کردن راهزنان مسلح برای قتل ملک عابدي و اقدامات تبلیغاتی و سیاسی متعاقب آن باشد که قیام عشایر را برانگیخت. اقدامات بعدی به منظور شناخته نشدن قاتلین ملک عابدي، و حمايت مالي از ایشان تا پایان عمر توسط ساواک، مؤید این نظر است. دکتر کشواد سیاهپور درباره قتل مهندس ملک عابدي و قیام سال‌هاي ۱۳۴۱-۱۳۴۲ عشایر فارس و کهگیلویه پژوهشي انجام داده که به زودي منتشر خواهد شد. جزئیات این حوادث در کتاب فوق مندرج است.

سرتیپ حسن علوي‌کيا از دیرباز، از همان زمان که ریاست شعبه تجسس رکن دوم ستاد ارتش را در اوائل دولت دکتر مصدق به دست داشت، با سیر شاپور ریپورتر و اینتلیجنس سرویس بریتانیا در ارتباط بود. به همین دلیل، اندکی بعد علوي‌کيا به‌دلیل «ارتباط محرمانه با دربار»، «مخالفت با دولت مصدق»، «کارشکنی در امور» و «رسانیدن اقدامات و اطلاعات محرمانه به مخالفین» از این سمت برکنار شد و سرهنگ حسینی‌قلبي سررشته جایگزین وی گردید. سررشته از افسران وفادار به نهضت ملی بود. ارتشبد حسین فردوست، رئیس دفتر ویژه اطلاعات شاه که در ۱۳۴۰ به عنوان قائممقام ساواک جایگزین علوي‌کيا شد، در خاطراتش می‌نویسد:

«نخستین شبکه مخفی اطلاعاتي انگلیس در ایران که تحت نظارت من قرار گرفت، شبکه‌اي بود که توسط سرتیپ ماهوتیان ایجاد شده بود. مدتی پس از این‌که به قائممقامي ساواک منصوب شدم، روزی سرتیپ ماهوتیان (که عنوان معاون ساواک را داشت) به من اطلاع داد که سال‌هاست زیرنظر انگلیسی‌ها به تشکیل یک شبکه مخفی اطلاعاتي در شمال کشور دست زده است. او افزود: "این شبکه به‌تدریج توسعه یافته و تاکنون مخارج آن توسط سرتیپ علوي کيا (قائم‌مقام قبلي ساواک) و از بودجه سري ساواک تأمین می‌شد و حال که او رفته شبکه تحت ریاست شماست و بودجه آن

نیز باید توسط شما تأمین شود." روشن است که با رفتن علوی کیا انگلیسی‌ها می‌توانستند مسئولیت اداره شبکه فوق را مستقیماً به رئیس ساواک (سرلشکر پاکروان) محول کنند ولی ظاهراً شاپورچی این بار نیز مرا انتخاب کرده و برای اداره چنین شبکه‌ای صالح تشخیص داده بود.» (خاطرات فردوست، صص ۳۴۷-۳۴۸)

فردوست ارتباط علوی‌کیا با سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد) را چنین شرح می‌دهد:

«زمانی که در سال ۱۳۴۰ به ساواک رفتم، سرتیپ علوی کیا، قائم‌مقام سابق ساواک، فردی به نام یعقوب نیمرودی را به من معرفی کرد و گفت که محمدرضا اجازه داده که او با ساواک رابطه داشته باشد و تبادل اطلاعات نماید. نیمرودی درجه سرهنگ دومی داشت و رئیس اطلاعات سفارت مخفی اسرائیل بود.» (همان مأخذ، ص ۲۶۶)

یعقوب نیمرودی، رئیس موساد در ایران که در اصل از یهودیان بغداد بود، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قاچاقچیان آثار باستانی و اشیاء عتیقه ایران شناخته می‌شود. او از طریق این غارت ثروتی انبوه اندوخت و روزنامه «معارف» [۱] دومین روزنامه پرتیراژ اسرائیل، را خرید.

در زمان تدوین کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی متوجه شدم که بخش مهمی از اسناد حسن علوی‌کیا در ساواک مفقود شده. این اقدام تنها در مورد پرونده‌های عناصر مهم مرتبط با سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا و اسرائیل انجام گرفته است.

آقای فرهاد عابدی، پسر مرحوم مهندس ملک عابدی که خود محقق است و سال‌ها در جستجوی راز قتل پدرش بوده، چون من بر این اعتقاد است. او به من گفت: «پدران هر دو ما قربانی یک توطئه شوم شدند.» گزارش سرلشکر اردوبادی بر این ادعا صحت می‌گذارد. متن کامل این گزارش در صفحات بعد مندرج است. در اینجا تنها آن بخشی را ذکر می‌کنم که مربوط به نقش مشکوک کانون‌های معین در قتل ملک عابدی و آغاز قیام پدرم است:

«... در همین ضمن جریان قتل مهندس ملک عابدی پیش می‌آید که مأمورین ژاندارمری به حق و ناحق در صدد دستگیری عده‌ای به اتهام این قتل برآمده و در اثر اذیت و آزاری که نسبت به دستگیرشدگان می‌نمایند و اخاذی‌هایی که می‌کنند، خاکستری را که روی این آتش فتنه‌انگیز بوده به کنار زده و مردم را عملاً وادار به اقداماتی بر علیه امنیت منطقه می‌نمایند.

کما این‌که در بررسی‌های دقیقی که شده، حبیب شهبازی را، که در اثر ناراحتی‌هایی از نزدیکی با مأمورین خودداری نموده است، به وسایلی به شهر می‌آورند و سرتیپ اشکان [فرمانده ناحیه ژاندارمری فارس] اصرار می‌نماید که او را به فیروزآباد اعزام دارد که خود را به این‌جانب معرفی نماید. نامبرده [حبیب شهبازی] اظهار می‌دارد که من سال‌هاست با قشقایی‌ها جنگیده‌ام و بر علیه آنان اقداماتی نموده‌ام؛ سرتیپ اشکان در فیروزآباد که مرکز قشقایی است به من اهانت خواهد نمود و مرا [سر]شکسته می‌نماید، نگذارید که مرا به فیروزآباد بفرستند. ولی ترتیب اثر داده نشده و او را به فیروزآباد اعزام می‌دارند که در آنجا مورد اهانت و تخفیف سرتیپ اشکان قرار می‌گیرد و با واسطه شدن ساواک به شیراز اعزام می‌گردد و قول می‌دهد که قاتلین ملک عابدی را دستگیر و تحویل نماید. در نتیجه، مورد مهربانی لشکر، استانداری، ساواک قرار می‌گیرد. ولی مأمورین ژاندارمری، که عده‌ای بی‌گناه را به اتهام قتل ملک عابدی دستگیر نموده بودند، **وقتی می‌بینند که این شخص می‌خواهد قاتلین اصلی را تحویل دهد** شبانه اطراف منزل او را در شهر محاصره نموده و تظاهراتی برای دستگیری او می‌نمایند که او هم از محاصره آنها بیرون آمده و به سرخی عزیمت و چند شب بعد جریان خلع‌سلاح [پاسگاه] دادنجان را به راه می‌اندازد. تا اینجا نیز می‌توانستند جلوی سایر اغتشاشات را بگیرند ولی ناآشنایی سرتیپ اشکان، که پس از شش سال هنوز به روحیه مردم فارس وارد نبوده، و بددهنی او، که هر که را می‌دید خائن قلمداد می‌کرده، سبب می‌شود که کم‌کم این آتش زبانه کشد و دامنه‌اش به بویراحمدی نیز... برسد.»

اردوبادی در گزارش فوق نکات جالب و مهم دیگری درباره فساد دستگاه نظامی و انتظامی حکومت پهلوی در فارس بیان کرده است.

هر چند در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۴۳ رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی طی نامه‌ای به اردوبادی اعلام کرد: «گزارش شرفعرضی ۷ / ۴ / ۴۲ تیمسار از شرفعرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گذشت. امر و مقرر فرمودند ابلاغ نمایم که خدمات شما جالب توجه و خوب است...» ولی اندکی بعد اردوبادی مغضوب شد. او به دلیل گزارش فوق، و نیز به دلیل دوستی و رابطه نزدیک با سرلشکر محمدولی قرنی، که او نیز مغضوب بود، خانه‌نشین شد و تحت مراقبت ساواک قرار گرفت.

میراث «شجره طیبه» سرلشکر اردوبادی فرزندان است چون نادر و ناصر طالب‌زاده. «... مثلاً کلمه طیبه کشف طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء... و مثل کلمه خبیثه کشف خبیثه اجتنبت من فوق الارض ما لها من قرار.» (سوره مبارکه ابراهیم، آیات ۲۵-۲۶)

شیراز، شنبه ۳ اسفند ۱۳۸۷ / ۲۱ فوریه ۲۰۰۹

**گزارش سرلشکر منصور طالب زاده اردوبادی به محمدرضا پهلوی**



مخصوص شاهنشاهی

حکومت  
۳۱۷  
۲۰۵۹/۴

تیمسار سررتیپ منصور اردکانی

گزارش شرفعرضی مورخ ( ۱۳۴۲ / ۴ / ۷ ) تیمسار از شرفعرض پیشگاه  
مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گذشت امر و مقرر فرمودند ابلاغ  
نمایم که خدمات شما جالب توجه و خوب است و در خصوص گزارش شما هی  
تیمسار نیز ابلاغ لازم به زانند امری کل کشور گردید که برای عرض گزارش به  
تهران عزیمت نمائید .

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

بیخ

---

تاریخ آخرین ویرایش :  
کلیه حقوق مندرجات این صفحه برای عبدالله شهبازی محفوظ است.  
آدرس ایمیل: [abdollah.shahbazi@gmail.com](mailto:abdollah.shahbazi@gmail.com)  
استفاده از مقالات با ذکر ماخذ مجاز است. چاپ مقالات به صورت کتاب ممنوع است.